



• درآید:

سالگرد شهادت دکتر فتحی شقایی بهانه‌ای شد تا پای صحبت ابوطارق، جانشین دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین بنشینیم و از او که سال‌ها همراه و هم‌رزمش بوده است، درباره ویژگی‌های آن شهید بشنویم. او بر این باور است که شهید شقایی همواره در چارچوب انسان‌گراداشت و دیدگاه سیاسی‌اش بر این اصل استوار بود که ما جهان را از منظر فلسطینی به عنوان بخشی از این جهان می‌نگریم. ما ملتی مظلوم هستیم و به رغم این رابطه انسانی که با دیگران داریم در موضع کینه‌توزانه قرار گرفته‌ایم، به نحوی که برخی از مجامع از جمله صهیونیست‌ها، به فلسطینیان با دید دشمنانه می‌نگرند.

### گفتگوی شاهد یاران با ابوطارق

جانشین دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین

## شقایی اندیشمندی که چارچوب جنبش اسلامی فلسطین را بنا نهاد...

نوع خاصی از فعالیت‌ها را متناسب با دیدگاه سیاسی خود در مقابل طرح سیاسی ایدئولوژیک تحمیل می‌کرد. گویی که باید ما با ایدئولوژی، سیاست و اخلاق خود و نه احساسات ساده‌مان با آن رویارویی کنیم.

نکته بعدی که در این رابطه باید در بعد سیاسی به آن اشاره کنم معیار بودن فلسطین نزد وی بود. به بیانی دیگر فلسطین پارامتر اصلی تعیین‌کننده میزان روابطمان با دیگران بود، و هر چه که آنها به فلسطین نزدیک شده، از آن حمایت کرده، و با رنج و مشقت ملت فلسطین ابراز همدردی بیشتری کردند، به طور حتم آنها در این سنگر به ما نزدیک‌تر می‌باشند، این معیاری بود که در موضع‌گیری‌های سیاسی‌اش در قبال تمام کشورها و شخصیت‌ها اتخاذ می‌کرد و اصل «هر کسی که به فلسطین نزدیک شود ما به او نزدیک می‌شویم» را همواره در روابط خود به اجرا در می‌آورد. کسانی که از فلسطین دور می‌شوند به اعتقاد شقایی به اندازه دوری خود از فلسطین به دشمن نزدیک می‌شوند و به سوی سنگر مقابل می‌روند. از این رو در بعد سیاسی می‌توانیم بگوییم که فلسطین در تمام ساختارهای روابطش با کشورها و شخصیت‌ها حاضر بود. اکنون هم فلسطین قطب‌نما و پارامتر تعیین‌کننده روابط با دیگران است و در حقیقت امر این فلسطین است که خط سیاسی جنبش جهاد اسلامی فلسطین را تعیین می‌کند. او همچنین اندیشمندی است که اساس و چارچوب‌های این جنبش را بنا نهاد. جنبشی که با نظریات وی شکل گرفت و فعالیت‌های مقاومتی و جهادی خود را در داخل فلسطین به عنوان طرحی که دغدغه‌ها و دیدگاه‌های امت را در این رویارویی بر دوش می‌کشد، آغاز کرد.

نقش این شهید بزرگوار را در تحولی که در مبارزات مردم فلسطین صورت گرفت، چگونه می‌بینید؟ او را باید اولین شخصیتی دانست که جنبش اسلامی را در منظومه رویارویی با رژیم صهیونیستی وارد کرد. به خصوص

جنبش و مردم فلسطین نبود، بلکه می‌توان گفت او این رفتار را به همگان و شاید تا شمول شدن دشمنانش هم فراگیر کرده بود.

او می‌گفت: «ما به جنگ یهودیان در جهان نرفته و چنین قصدی هم نداریم. این آنها بودند که سرزمین ما را غصب کرده و مردم را آواره ساختند. ما به خاطر اختلاف دینی با آنها نمی‌جنگیم بلکه به این دلیل پیکار می‌کنیم که آنها به ما ظلم و سرزمین ما را غصب کرده‌اند. ملت ما را آواره ساخته و همچنان به این کرده خود ادامه می‌دهند». با این حال شهید (رحمت الله علیه) همواره در این رویارویی هم جوانب انسانی را رعایت می‌کرد. به رغم آن که از دیدگاه سیاسی به این رژیم به عنوان رژیم ساخته دست غرب و بازتاب سرشت حمله غربی علیه منطقه عربی - اسلامی می‌نگریست، اما این نوع دیدگاه سیاسی هرگز باعث نشد تا جنبه‌های انسانی را در بسیاری از مواضع خود فراموش کند و این مسأله به خوبی در موضع‌گیری‌های عملی که جنبش جهاد اسلامی اتخاذ کرد یا مواضعی که در رابطه با عملیات نظامی اعلام می‌کرد به چشم می‌خورد. از این روی می‌توان گفت که بعد انسانی بر بعد سیاسی موضع‌گیری‌هایش غلبه داشت.

از این رو در بسیاری از مواقع این طور به نظر می‌رسید که

شهر شهید فتحی شقایی



**دکتر در موضع‌گیری‌های سیاسی‌اش در قبال تمام کشورها و شخصیت‌ها، اصل «هر کسی که به فلسطین نزدیک شود ما به او نزدیک می‌شویم» را اتخاذ کرده و همواره در روابط خود به اجرا در می‌آورد.**

با شناختی که شما از شهید دکتر شقایی دارید، ویژگی بارز این شهید را چه می‌دانید؟

به گفته بسیاری از کسانی که با او تمامی حواس و جوارح خود سال‌های مدید زندگی کردند، وی رهبری با ویژگی‌های منحصر به فرد بود. شخصیت رهبری را به طور ذاتی داشت. رهبری بازتاب شخصیت شقایی بود که تأثیرگذاری‌اش بر اطرافیانش یکی از ویژگی‌هایی بود که می‌توان گفت هدیه‌ای از سوی خدا به برخی از بندگان محسوب می‌شود.

چنان این ویژگی در وی نمایان بود که هر کسی در اولین دیدار احساس می‌کرد که این شخص با دیگران تفاوت دارد و همانند بقیه مردم نیست. او توانایی زیادی در رخنه بدون مقدمه به داخل احساسات طرف مقابل داشت. وقتی در مقابل او قرار می‌گرفتی احساس می‌کردی که در مقابل فردی خارق العاده ایستاده‌ای و از این نقطه است که داستان ابو ابراهیم این رهبر برجسته آغاز می‌شود. رهبر انسانی که هرگاه با او باشد حتماً به این نتیجه می‌رسی که او در عین رهبر بودن، یک انسان است.

او رهبر و انسانی است که روابط انسانی خاصی را با همکاران و دوستانش دارد. همه احساس می‌کنند که او در عین آن که یک رهبر است، مردی است، با روحیه برادرانه و انسانی و صرف نظر از این که او چه رویکرد فکری، سیاسی یا تشکیلاتی دارد، با وی رفتار می‌کنند.

ویژگی انسانی این مرد در تمامی ابعاد روابطش ویژگی برتر بود. زمانی که با او می‌نشستی، گفتگو می‌کردی، به مجادله می‌پرداختی، با او به توافق می‌رسیدی یا اختلاف نظر داشتی، در هر صورت تو خود را در برابر یک انسان با ارزش‌های والای انسانی که تعهدی حقیقی و عملی به بعد انسانی خود دارد می‌دیدی. او مقوله «انسان‌ها با یکدیگر برادرند» را نه از لحاظ نظری بلکه به شکل عملی و در رفتار خود با همه اطرافیانش به کار می‌گرفت. رفتار انسانی‌اش تنها محصور به اطرافیان از برادرانش در



به نفس بالایی داشت و ایمان داشت که کردارش کرداری اسلامی است.

وقتی من در مورد صداقت وی سخن می‌گویم، جنبه اخلاقی آن را مد نظر دارم. در یک دوره خاص او آرزو داشت که کتابی در مورد اخلاق جنبش‌های اسلامی بنویسد تا به جایگاه اخلاق و چگونگی بودن آن در جنبش‌های اسلامی بپردازد. و ذکر کند که این جنبش‌ها باید صداقت، صفا و دیدگاه واضح را سرلوحه خود قرار دهند. ما باید با مردم صریح باشیم و به عوام فریبی نپردازیم.

از این نگاه من معتقدم که دکتر فتحی شقافی از معدود کسانی بود که رفتارشان با آنچه از او توقع می‌رود یکی است. من شهادت می‌دهم که صادق، واضح، صاف، استوار و ایمانی مطلق به پیروزی ما بر طرح صهیونیستی داشت. همچنین او اعتقاد راسخ و غیر قابل تغییر در مورد این که فلسطین سرزمین ما و آبا و اجدادیمان است داشت که باید ارزشمندترین چیزها را برای آزادی آن تقدیم کنیم و امروز کانون اصلی رویارویی در جهان است.

پایبندی او را به چارچوب‌های فکری و نوع نگرشی که مطرح می‌کرد، چگونه دیدید؟

او صاحب دیدگاه مرکزیت فلسطین در رویارویی جهانی است. اگر مسلمانان بر فلسطین حکومت یابند به آن معنی خواهد بود که حضور منطقه‌ای آنها پر رنگ می‌شود، و اگر فلسطین را از دست بدهند به پایین‌ترین سطوح خواهند لغزید.

او مقوله مشهوری داشت که بعد از توافقنامه اسلو اعلام کرد: «اگر ما را به روی تخته هم سر ببرند، باز هم به مقاومت خود ادامه می‌دهیم».

او در نامه‌ای به یکی از برادران گفت: «اگر یکه و تنها هم بمانم باز هم به جهاد خود ادامه می‌دهم».

او ایمان راسخ داشت که اسرائیل دشمن ملت فلسطین، امت عربی، اسلامی و تمامی بشریت است. زیرا این رژیم بر پایه‌های ظلم و سرکوب شکل گرفت و بدیهی است که این ظلم و سرکوب باید با مقاومت فلسطینی‌ها و غیر فلسطینی‌ها پاسخ داده شود. این جملات خلاصه‌ای از آن چیزی است که در مورد رهبر بزرگ دکتر فتحی شقافی می‌توانم بگویم. اما آنچه را که نکتتم بیش از آن چیزی است که در مورد ویژگی‌های بارزش نگاهشتم. ■

با رویی گشاده این کار را انجام می‌داد تا مردم بدانند که آغوش اسلام گشاده‌تر و بازتر از همه تعصب‌هایی است که ممکن است به سوی انزواگری منجر شود. او به جوانان جنبش اسلامی دیدگاه جدیدی را ارائه کرد به نحوی که بسیاری از دور افتادگان از اسلام احساس کردند در اسلام روحیه تسامحی وجود دارد که نزد دیگران قابل مشاهده نیست. این ویژگی هم باعث شد تا شقافی از داشتن صفت رهبری مبتکر هم برخوردار شود. فردی که موفق شد روح حقیقی اسلام را در روابط با دیگران منعکس سازد. این البته سوای

پایبندی دینی شدید وی به روابط با دیگران و اخلاق مدار با آنان است. یکی از مهمترین ویژگی‌هایی که وی از آن برخوردار بود صداقتی بود که با خود و با دیگران داشت. شهید فتحی شقافی یک چهره بیشتر نداشت. ظاهر و باطنش یکی بود و بازتابی حقیقی و مستقیم از شخصیت وی بود.

هنگام سخن گفتن با او احساس می‌کردی که با فردی شفاف با شفافیتی بسیار زیاد سخن می‌گویی. اگر با تو سخن می‌گفت همان جملاتی را به کار می‌برد که باید به کار ببرد و چیزی را پشت پرده و در لافه نمی‌گفت. این به آن معنی بود که تو در مقابل یک صفای مطلق بودی. اگر قولی می‌داد به آن عمل می‌کرد و تنها کاری را می‌کرد که به آن ایمان پیدا کرده بود.

من به شکل عجیبی شیفته او شده بودم. زیرا او فردی بود که از آنچه انجام می‌داد شرمند نمی‌شد. او چه در زندگی خصوصی و چه عمومی خود، کاری را نمی‌کرد که برایش پشیمانی به بار آورد. این یک صفت بسیار مهم بود. اعتماد

که فلسطین دارای جنبش مقاومت فلسطینی بود. اما این جنبش مقاومت از اسلام دور بود. پس این شقافی بود که جنبش اسلامی را وارد این مبارزه کرد. وی در این رابطه می‌گفت: فلسطینیانی بدون اسلام و اسلام‌گرایانی بدون فلسطین وجود دارند. پس او کسی بود که باعث شکل‌گیری این منظومه شد و امروز شاهد رشد و نمو و تکثیر نهالی هستیم که او آن را کاشت و جنبش مقاومت، با اسلام و دیدگاه‌های او شکل گرفته و به فعالیت می‌پردازد. امروز ما شاهد چهره تابناک ملت فلسطین که به اسلام به عنوان یک خط مشی جهادی مقاوم می‌نگرد، هستیم. او مردی بود که معادله اسلامی را وارد فلسطین کرد. او این نظریه و دیدگاه را به صورت خلق الساعه به وجود نیاورد، بلکه موفق شد تا به این اعتقاد برسد که اسلام هیچ تناقضی با ملی‌گرایی ندارد بلکه بر عکس اسلام حامی ملی‌گرایی و ملی‌گرایی جزئی از اسلام است. پس اگر ملی‌گرا باشیم باید اسلام‌گرا هم باشیم. این معادله است که او در منظومه سیاسی داخلی فلسطین قرار داد.

او به عنوان یک ایدئولوژیست به عقاید اسلامی پایبند بود. او در پایبندی خود شاخص بود. اما با این حال شخصیت ساده و غیر پیچیده‌ای داشت. او روح اسلام و پیام انسان سازش را به خوبی فهمیده بود. او به دور از تعصبات و خودپرستی‌ها و این مقوله که مسلمان باید منزوی، جدا و دور از دیگران باشد، پیام اسلام را به مردم منتقل کرد و به آنها در مورد نحوه همجوشی مردم با اسلام توضیح داد. او

#### شهادت فتحی شقافی



**شهید شقافی را باید اولین شخصیتی دانست که جنبش اسلامی را در منظومه رویارویی با رژیم صهیونیستی وارد کرد. به خصوص که فلسطین دارای جنبش مقاومت فلسطینی بود. اما این جنبش مقاومت، از اسلام دور بود.**

